

“تجاری کردن کشاورزی ایران”

سرور ملکان

اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه:

بطور کلی تجاری شدن بخش کشاورزی به معنای تولید برای صادرات است که لازمه آن ادغام اقتصاد روستایی در اقتصاد ملی و در نهایت در اقتصاد بین‌المللی است. در حال حاضر کشور در حال گذار از اقتصاد درون‌گرا و بسته به اقتصاد مبتنی بر عملکرد بازار می‌باشد. به این منظور اجرای برنامه‌های تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی، یکسان‌سازی نرخ ارز، رفع انحصارها و ایجاد بازار رقابتی از اهم اهداف مسئولین بوده و الحاق به WTO به‌عنوان چارچوب روابط تجاری بین‌المللی در دستور کار دولت قرار گرفته‌است. بنابراین ضروری است جهت هماهنگ نمودن بخش کشاورزی با مسیر و آهنگ حرکت سایر بخش‌ها و شرایط کلی اقتصاد ایران و جهان تدابیر ویژه اندیشیده شود، زیرا بخش کشاورزی در ایران منزوی‌تر و منطقه‌ای‌تر و حتی از بسیاری جهات برخی از زیربخش‌های آن محلی‌تر باقی مانده‌است. بنابراین جهت ادغام بخش کشاورزی در اقتصاد بین‌الملل که حاصل تجاری شدن تلاش‌های بخش است زمینه‌سازی‌های گسترده‌تری مورد نیاز می‌باشد. در این گزارش سعی شده تا

ضمن ارایه تصویر کلی از وضعیت موجود کشاورزی ایران و شرایط مناسب برای ورود به بازارهای جهانی، راهکارهای لازم نیز معرفی گردد.

۱- ظرفیت‌های بخش کشاورزی

بطور کلی ادغام در اقتصاد جهانی به مفهوم شکستن پوسته‌ها و محدودیت‌های محلی و منطقه‌ای است. معنای دقیق‌تر عبارت این است که در برنامه‌ریزی برای تولید، بویژه در سطح تولیدکنندگان، انتظارات و تمایلات گروه وسیع مصرف‌کنندگان بالقوه و بالفعل پراکنده در سراسر جهان جانشین خواسته‌ها و نیازمندی‌های مردم محلی شود. بدین منظور می‌باید کیفیت محصول براساس استانداردهای بین‌المللی تنظیم شده، قیمت محصولات در بازار گسترده و در ورای مرزهای ملی (که مملو از رقبای سرسخت، با تجربه بیشتر و کارآزموده‌تر است) تعیین گردیده، شیوه‌ها و فن‌آوری تولید دگرگون شده و مدیریت و هدایت نهادها و سازمان‌های دست‌اندرکار در جهت تولید کالا، با کیفیت موردنظر، توزیع آن در سطح وسیع‌تر و کسب اطلاعات روزآمد از ترجیحات مصرف‌کنندگان تحول یابد. این تغییرات بطور قطع می‌باید همراه با دگرگونی در نوع تولید باشد. بدین معنی که در هر منطقه از کشور تولید محصولات متنوع که از ویژگی‌های جامعه خودمعیشتی سنتی است، به تولید تخصصی یک یا دو محصول که منطبق با ویژگی‌های همان ناحیه می‌باشد، تغییر یابد.

جهت حصول به موارد یادشده که از پیش شرط‌های اساسی دستیابی به بازارهای جهانی به حساب می‌آید، لازم است تا ترکیب عوامل، نهاده‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بخش کشاورزی در یک بسته هماهنگ با دیدگاه تجاری و به شکل بهینه تعریف مجدد شود. به این خاطر می‌باید ظرفیت‌های تولید بخش که شامل خاک، آب، نیروی انسانی و سرمایه است، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته، تنگناها و موانع شناسایی شده و جهت‌گیری‌های لازم برای رفع مشکلات ارایه گردد.

۱-۱- زمین

در کشاورزی، زمین عامل اصلی و محوری تولید است که بدون آن کشاورزی فاقد مفهوم است. پیرو این واقعیت، مسایل دیگری مانند توزیع زمین، اندازه بهره‌برداری‌ها و... مطرح می‌شوند که در تولید، مصرف، صدور و توزیع درآمد مؤثر هستند. در ایران از ۱۶۵ میلیون هکتار وسعت کشور حدود ۵۱ میلیون هکتار قابل بهره‌برداری کشاورزی تشخیص داده شده که از این مقدار، ۳۲ میلیون هکتار در درجه خوب و ۱۹ میلیون هکتار در درجه متوسط طبقه‌بندی شده‌است^۱. سطح زیر کشت محصولات کشاورزی ایران طبق آمارنامه وزارت جهاد کشاورزی طی سال‌های اخیر مطابق جدول ذیل می‌باشند:

جدول شماره (۱)

سطح زیر کشت محصولات کشاورزی

(هزار هکتار)

جمع کل	باغی (صنعتی)			باغی (میوه)			زراعی			سال
	جمع	دیم	آبی	جمع	دیم	آبی	جمع	دیم	آبی	
۱۳۶۹۷	۱۴۴	۱۱۶	۲۸	۱۳۷۲	۱۱۹۳	۱۷۹	۱۲۱۸۱	۶۴۹۱	۵۶۹۰	۱۳۷۰
۱۴۴۴۱	۱۴۶	۱۳۳	۳۳	۱۳۸۵	۱۱۸۸	۱۹۷	۱۲۹۱۰	۷۰۷۵	۵۸۳۵	۱۳۷۱
۱۴۳۸۳	۱۰۸	۹۴	۱۴	۱۴۵۷	۱۲۵۲	۲۰۵	۱۲۸۱۷	۷۱۱۸	۵۶۹۹	۱۳۷۲
۱۳۹۵۹	۹۷	۸۴	۱۴	۱۵۲۵	۱۳۱۳	۲۱۲	۱۲۳۳۷	۶۶۴۰	۵۶۹۷	۱۳۷۳
۱۴۰۱۸	۱۱۳	۹۶	۱۷	۱۵۹۳	۱۳۵۹	۲۳۴	۱۲۳۱۲	۶۶۳۱	۵۶۸۱	۱۳۷۴
۱۴۳۹۳	۱۱۶	۹۷	۱۹	۱۶۸۰	۱۴۱۲	۲۶۸	۱۲۵۹۷	۶۷۴۰	۵۸۵۷	۱۳۷۵
۱۴۰۰۱	۱۳۱	۱۰۲	۱۹	۱۸۷۹	۱۵۸۵	۲۹۴	۱۲۰۰۱	۶۲۱۲	۵۷۸۹	۱۳۷۶
۱۴۳۰۲	۱۱۷	۹۷	۲۱	۱۸۴۸	۱۵۳۳	۳۱۵	۱۲۳۳۷	۶۳۱۵	۶۰۲۲	۱۳۷۷
۱۲۳۲۶	۱۱۳	۹۲	۲۰	۱۸۸۹	۱۵۵۴	۳۳۵	۱۰۳۲۴	۴۴۳۶	۵۸۶۱	۱۳۷۸
۱۲۳۵۸	۱۱۳	۹۲	۲۱	۱۹۷۷	۱۶۱۲	۳۶۵	۱۰۲۶۸	۴۷۲۷	۵۵۴۱	۱۳۷۹
۱۳۲۰۱	۱۱۳	۸۹	۲۲	۲۰۶۸	۱۶۵۷	۴۱۱	۱۱۰۲۰	۵۴۹۶	۵۵۲۴	۱۳۸۰

مآخذ: آمارنامه کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی، سال‌های مختلف.

^۱ سرمایه‌گذاری و اعتبارات در بخش کشاورزی ایران، ژیلایران‌نژاد، از انتشارات مرکز مطالعات، برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۵.

ارقام، گویای این واقعیت است که طی دهه اخیر، مساحت زمین‌های زیر کشت محصولات زراعی با حدود ۹/۸ درصد کاهش از ۱۲/۲ میلیون هکتار در سال ۱۳۷۰ به ۱۱/۰ میلیون هکتار در سال ۱۳۸۰ محدود شده است. کاهش مزبور طی سال‌های ۷۷-۱۳۷۰ تدریجی و بطئی بوده ولی تقریباً تمام افت سطح زیر کشت محصولات زراعی در سال ۱۳۷۸ اتفاق افتاده که آن را به بروز دور جدیدی از پدیده خشکسالی نسبت می‌دهند. با مقایسه ارقام سال ۱۳۸۰ با سال ۱۳۷۷ می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سطح قابل توجهی از زمین‌های زراعی (۴۹۸ هزار هکتار آبی و ۸۱۹ هزار هکتار دیم) در طول این سال‌ها رها گردیده و از جریان تولید خارج شده‌اند. این امر به مفهوم کاهش تولید و شاغلین بخش کشاورزی و افزایش جمعیت مصرف‌کننده محصولات کشاورزی نیز می‌باشد. بدین ترتیب عملکرد کشاورزی ایران طی دهه اخیر به گونه‌ای بوده که نه تنها نتوانسته زمینه‌های لازم برای گسترش کشت و تولید و صدور مازاد را فراهم آورد، بلکه هرچه بیشتر کشور را به واردات محصولات عمده کشاورزی وابسته نموده است.

اگرچه سطح کل زمین‌های زیر کشت از اهم عوامل مؤثر بر تولیدات کشاورزی به شمار می‌آید، لیکن مسئله اندازه بهره‌برداری‌ها که متعاقب آن مطرح می‌شود نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. آنچه کشورهای در حال توسعه دارای کشاورزی سنتی را از کشورهای پیشرفته و صادرکننده محصولات کشاورزی متمایز می‌کند، واحدهای زیادی از تولیدکنندگان کوچک در کنار تعداد اندکی از تولیدکنندگان بزرگ است. علاوه بر آن میانگین اندازه بهره‌برداری‌ها نیز در کشورهای مذکور کوچک بوده و بنا بر دلایل فراوانی (از جمله فشار جمعیت، توارث و قوانین مالکیت) گرایش به کاهش دارد.

ارقام اولین سرشماری عمومی کشاورزی در مهر ماه سال ۱۳۳۹ یعنی در آستانه اصلاحات ارضی نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد از بهره‌برداران ۱۵ درصد اراضی زیر کشت را در اختیار داشتند که مساحت هر واحد کمتر از سه هکتار بوده است. نتایج سرشماری

بعدی که بعد از اصلاحات ارضی صورت گرفت (سال ۱۳۵۲) نشان می‌دهد که وضعیت توزیع بدتر شده است. چنانچه در این سال ۴۳ درصد بهره‌برداران زمین‌های زیر ۳ هکتار را در اختیار داشتند که ۴/۳ درصد اراضی را تشکیل داده بود. این مطلب نشان‌دهنده کوچکتر شدن مساحت زمین برای هر بهره‌بردار و فشار جمعیت بر زمین است که موجب مهاجرت گسترده روستاییان در سال‌های بعد گردید. نتایج نخستین سرشماری عمومی کشاورزی پس از پیروزی انقلاب (سال ۱۳۶۱) نشان‌دهنده افزایش تعداد بهره‌برداران و کاهش مساحت زمین‌های کشاورزی می‌باشد. در این سال زمین‌های زیر ۳ هکتار در اختیار ۱۲۷۰ بهره‌بردار (۴۷/۸ درصد) قرار داشت که در مجموع ۸۵۹ هزار هکتار (۶/۶ درصد) از زمین‌های زیرکشت را تشکیل می‌داد. افزایش سهم آنان از کل تا حدی ناشی از فضای به‌وجود آمده بعد از پیروزی انقلاب و توجه مسئولین به بخش کشاورزی به‌عنوان محور توسعه و همچنین شرایط جنگی بود. در آمارگیری بعدی که مقارن با اجرای اولین برنامه توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (سال ۱۳۷۱) بود، سهم کشاورزانی که زمین‌های آنان زیر سه هکتار بود از کل به ۳۳/۴ درصد و سهم مساحت تحت اختیار آنان نیز به ۳/۸ درصد تنزل یافت. ارقام بیانگر ثبات و حضور گسترده بهره‌برداران کوچک در پهنه کشاورزی ایران است. در واقع اجرای اصلاحات ارضی و تحولات بعد از پیروزی انقلاب هرچند روابط کار را تغییر داد ولی نتوانست در بافت زمینداری کشور تغییر عمده‌ای ایجاد کند. این وضعیت منجر به شکل‌گیری فرهنگ درون‌گرای خاصی در کشاورزی گردیده که یکی از ویژگی‌های عمده آن پیروی از اقتصاد خود معیشتی در تنظیم الگوی کشت و تولیدات کشاورزی می‌باشد. بنابراین تعجب آور نیست اگر ارتباط بخش کشاورزی ایران با بازار فروش بین‌المللی و حتی داخلی محدود بوده، برنامه‌های مدرن‌سازی (نظیر توسعه روش آبیاری تحت فشار) به کندی و با هزینه‌های سنگین پیش می‌رود و کشاورزان در برابر نوآوری و پذیرش آن مقاومت نشان می‌دهند.

۲-۱- آب

پس از خاک، مهم‌ترین عامل در جریان تولید محصولات کشاورزی آب است که مقدار آن تحت تاثیر شرایط جوی بطور مداوم دستخوش تغییر و نوسان می‌گردد. بطور کلی تغییرات دمای سطح آب اقیانوس حاره‌ای به دو شکل ال نینو (افزایش دما) و لانینا (کاهش دما) ظاهر می‌شود که هر یک، دو الی سه سال بطول می‌انجامد. ال نینو همراه با بارندگی‌های گسترده می‌باشد که به دوره پرآبی موسوم است و در مقابل لانینا که دوره کم آبی می‌باشد موجب بروز پدیده خشکسالی می‌گردد. باتوجه به اینکه ایران بین منطقه حاره‌ای و عرض‌های میانی قرار دارد تا حد زیادی متاثر از این تغییرات است. چنانچه آمار جدول شماره ۱ نشان داد میزان سطح زیرکشت محصولات کشاورزی ایران اگرچه در سال‌های پرآبی، افزایش چشمگیری نیافته، لیکن در دوره خشکسالی، تحت تاثیر کمبود آب، به شدت کاهش داشته است. این امر را می‌توان ناشی از نحوه توزیع و مصرف آب در کشور نیز به حساب آورد، به طوری که ۷۰ درصد از آبها در محدوده ۲۵ درصد از سطح کشور وجود دارد و ۷۵ درصد از مناطق کشور باید با ۳۰ درصد منابع آب موجود تولید و سایر نیازهای خود را سرسامان بخشند^۱.

از مجموع آب مصرفی کشور، ۸۲ میلیارد متر مکعب (۹۴/۳ درصد) در بخش کشاورزی و بقیه در سایر موارد مصرف می‌شود. میزان آب مصرفی برای هر هکتار زمین کشاورزی رابطه مستقیم با راندمان بهره‌برداری از آب دارد. در ایران راندمان بهره‌برداری در ابتدای برنامه اول ۳۱/۵ درصد بود که تا پایان برنامه دوم با اجرای روش آبیاری تحت فشار در قسمتی از زمین‌های کشاورزی، به ۳۷/۵ درصد افزایش یافته که همچنان باراندمان کاربردی روش‌های آبیاری تحت فشار (۷۴ درصد) فاصله زیادی دارد. این امر موجب گردیده تا از مجموع آب استحصال شده و در اختیار بخش کشاورزی در عمل فقط حدود ۲۵ میلیارد متر مکعب به

۱- روند توسعه سیستم های آبیاری تحت فشار در کشور، معاونت فنی و زیربنایی، وزارت جهاد کشاورزی، تیر ۱۳۸۰.

صورت مفید مورد استفاده قرار گرفته و مابقی که حجمی نزدیک به دو برابر مصرف واقعی می‌باشد، در جریان انتقال و آبیاری به هدر رود.

۳-۱- نیروی انسانی

عامل نیروی انسانی در واقع بخش متفکر و هادی فعالیت‌های کشاورزی است که برای انتخاب الگوی کشت، ترکیب نهاده‌های تولید و فروش محصولات تصمیم‌گیری به عمل می‌آورد. با توجه به اینکه بخش اعظم فعالیت‌های کشاورزی در ایران توسط کشاورزان کوچک و به روش‌های سنتی انجام می‌گیرد، مبحث نیروی انسانی این بخش با مسایل روستا عجین شده‌است زیرا تقریباً تمامی شاغلین بخش، ساکن روستا می‌باشند. از این رو شناخت ویژگی‌های زندگی دهقانی می‌تواند در ایجاد تغییرات لازم برای هدایت بخش به سمت کشاورزی مدرن تجاری کمک نماید. توزیع جمعیت بین شهر و روستا در سطح کل کشور و ترکیب جمعیت فعال و شاغل در جدول ذیل نشان داده شده است:

جدول شماره (۲)

توزیع جمعیت کل کشور بر حسب فعال و شاغل^(۱)

۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	
											مناطق شهری
..	۱۰۱۳۴	۹۸۸۰	۹۶۵۵					۸۴۸۹	جمعیت فعال
..	۹۳۲۲	۹۰۵۸	۸۷۹۹					۷۶۰۹	جمعیت شاغل
۴۱۸۴۲	۴۰۷۹۱	۳۹۷۱۸	۳۸۶۸۱	۳۷۸۱۶	۳۶۸۱۸					۳۱۸۳۷	جمعیت کل
											مناطق روستایی ^(۲)
..	۷۱۷۸	۶۹۲۲	۶۷۷۲					۶۲۴۸	جمعیت فعال
..	۵۶۴۱	۵۷۴۵	۵۷۷۲					۵۴۸۸	جمعیت شاغل
۲۳۰۴۴	۲۳۰۷۱	۲۳۰۹۹	۲۳۱۶۱	۲۳۱۷۸	۲۳۲۳۷					۲۴۰۰۰	جمعیت کل
											کل کشور
۱۶۱۴۹	۱۸۵۵۹	۱۸۰۲۰	۱۷۲۱۲	۱۶۸۰۲	۱۶۰۲۷	۱۵۷۲۶	۱۵۴۴۲	۱۵۲۰۴	۱۴۹۶۲	۱۴۷۳۷	جمعیت فعال
۱۶۰۷۱	۱۵۵۷۶	۱۵۱۷۷	۱۴۹۶۳	۱۴۸۰۳	۱۴۵۷۱	۱۴۰۸۷	۱۳۷۷۲	۱۳۵۰۷	۱۳۳۶۸	۱۳۰۹۷	جمعیت شاغل
۴۴۹۰۷	۴۳۸۴۲	۴۲۸۱۷	۴۱۸۴۲	۴۰۹۹۴	۴۰۰۵۵	۳۹۱۸۷	۳۸۳۳۱	۳۷۴۸۸	۳۶۶۵۶	۳۵۸۳۷	جمعیت کل

مأخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف.

- ۱- جمعیت فعال و شاغل شامل سنین ۱۰ ساله و بالاتر می‌باشد.
- ۲- جمعیت روستایی جمعیت غیر ساکن را نیز شامل می‌شود.

طبق ارقام جدول ازبایه شده جمعیت کل کشور طی دهه اخیر با متوسط نرخ رشد ۱/۵ درصد از ۵۵/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ به ۶۴/۹ میلیون نفر در پایان سال ۱۳۸۰ بالغ گردیده است. طی همین مدت جمعیت کل مناطق روستایی بطور متوسط هر سال ۰/۴ درصد کاهش داشته و در سال ۱۳۸۰ به حدود ۲۳ میلیون نفر محدود گردید که ۲۵/۵ درصد جمعیت کل کشور می باشد. بدیهی است کاهش جمعیت مناطق روستایی ریشه در مهاجرت روستاییان به شهرهای دور و نزدیک دارد. با توجه به اینکه جاذبه های زندگی شهرنشینی برای جوانان بیشتر می باشد، از جمع این اطلاعات می توان چنین نتیجه گیری کرد که نیروی انسانی شاغل در بخش، گرایش به پیر شدن دارد. این مطلب به همراه آمار مربوط به طبقات بهره برداری (که در بخش ۱-۱ عنوان گردید) نشان می دهد که قسمت عمده نیروی فعال و شاغل بخش کشاورزی را بهره برداران سنین بالا تشکیل می دهند که زمین کوچکی در اختیار دارند. آمار رسمی نیز گویای این واقعیت است که ۴۷ درصد از کشاورزان ایران بی سواد مطلق بوده و متوسط سن آنها بالای ۵۰ سال می باشد. جمع شرایط مذکور موجب گردیده تا نیروی انسانی شاغل در بخش، دارای ویژگی های خاصی باشد. به طوری که با این ساختار، کشاورزی ایران روزه روز بیشتر خصلت خود معیشتی پیدا می کند. در این حالت خانوارهای روستایی علاوه بر اینکه عرضه کننده سهم عمده نیروی کار می باشند، خود بزرگ ترین تقاضا کننده آن نیز هستند و این دوگانگی اثرات سوء بر فعالیت های هردو بخش کشاورزی و صنایع مرتبط (به عنوان متقاضی نیروی کار مازاد کشاورزی) بر جای می گذارد. از طرف دیگر تولیدات این گونه بهره برداران از دیدگاه مصرف شخصی بوده و جنبه های تجاری آن کمتر مدنظر می باشد. در چنین شرایطی تا زمانی که کیفیت نیروی انسانی به عنوان

۱- مصاحبه دکتر محمد حسین عمادی معاون ترویج و نظام بهره برداری وزارت جهاد کشاورزی با روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۵.

بخش متفکر تغییر نکند، احتمال تغییر ساختاری و کیفی فعالیت‌های کشاورزی در جهت حصول به اهداف بلندمدت تجاری بسیار ضعیف خواهد بود. زیرا کشاورزان جوامع سنتی گذشته نگر و در برابر استفاده از ابزارها و روش‌ها و اندیشه‌های جدید، مقاوم بوده و توانایی درک کامل مزایای پدیده‌های نوین را ندارند. روستاییان سنتی به همان اندازه که سنتی باقی مانده‌اند، از بازارهای جدید و پیچیده ملی و جهانی دوره بوده، با نحوه عمل بازار، بیگانه و از تشکل‌های رسمی لازم برای فرستادن محصولاتشان به بازارها و تهیه نهاده‌های مورد نیاز بازار بی‌بهره‌اند. این گروه با توجه به تولید سنتی و بازده اندک، توان سرمایه‌گذاری کافی را نداشته و اصول سرمایه‌گذاری را نیز نمی‌دانند. بدیهی است که لازمه رسیدن به مرحله تولید تجاری، گذار اجتماع سنتی به جامعه جدید یا به عبارت دیگر جایگزینی شیوه‌ها، ابزارها، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، مناسبات و تشکل‌های سنتی با ویژگی‌های جامعه نوین است. بدین منظور هرچند گسترش آگاهی و افزایش توانایی‌های افراد از طریق آموزش به‌عنوان یک اصل مهم در ایجاد تحول مطرح می‌باشد لیکن باید توجه داشت که پایین بودن سطح سواد بهره برداران فعلی موجب می‌شود تا سرمایه‌گذاری‌های انسانی بازده مورد انتظار را نداشته باشد. در کنار جمعیت مسن و کم سواد، گروهی قرار دارند که در بلندمدت و به جبر روزگار می‌باید جایگزین پدران خود شوند. در واقع آینده برنامه‌ریزی‌های تولید کشاورزی تحت تاثیر افکار و روحیات و توانایی‌های این گروه قرار دارد. بنابراین شایسته است که برنامه‌های آموزشی و پرورشی بخش بیش از همه بر این گروه تمرکز یافته و در کنار رفع مشکلات موجود در زمینه‌های آب و خاک و نهاده‌های دیگر تولید، ارتقاء دانش فنی نسل آینده بهره‌برداران به‌عنوان یکی از اهداف اولیه برنامه‌های توسعه بخش، مدنظر قرار گیرد.

۴-۱- سرمایه‌گذاری و اعتبارات

بخش کشاورزی ایران همواره در تامین سرمایه مورد نیاز با مشکل مواجه بوده است، زیرا سرمایه‌گذاری در بخش در مقایسه با سایر بخش‌ها از بازدهی کمتری برخوردار است و سود موردانتظار پایین‌تری دارد. علاوه بر آن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی معمولاً در کوتاه‌مدت پاسخ نمی‌دهد و نسبت به سایر بخش‌ها به زمان طولانی‌تری نیاز دارد. از طرف دیگر ساختار کلی اقتصاد کشور به گونه‌ای است که در بخش‌های غیر کشاورزی بویژه خدمات و مسکن با مخاطره اندک امکان حصول سود سرشار وجود داشته و رانت‌های اقتصادی و قدرت، سودهای بادآورده‌ای را موجب می‌شود که در نهایت گرایش به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را کاهش می‌دهد.

اعتبارات عمرانی، بخشی از سرمایه‌گذاری کل کشور محسوب می‌شود که از منابع عمومی تامین شده و نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشور و بخش‌های مختلف آن دارد. اعتبارات عمرانی از نوع سرمایه‌گذاری است که می‌باید صرف ایجاد ظرفیت‌های جدید و یا نگهداری از ظرفیت‌های موجود شود. جدول شماره ۳ عملکرد اعتبارات عمرانی کل کشور و بخش کشاورزی را طی ده سال اخیر براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ نشان می‌دهد. طبق آمارهای جدول، طی سال‌های مذکور، حجم اعتبارات عمرانی با متوسط نرخ رشد سالانه ۰/۷ درصد از ۱۹۷۱/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ به ۲۰۹۶/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ رسیده است. در همین مدت اعتبارات عمرانی بخش کشاورزی تا سال ۱۳۷۸ بطور متوسط سالانه ۲/۳ درصد کاهش داشته و در سال ۱۳۷۹ به دلیل خشکسالی افزایش یافته و به ۴۸۶/۱ میلیارد ریال رسیده که تقریباً برابر با رقم سال ۱۳۷۰ است.

جدول شماره (۳)

اعتبارات عمرانی پرداخت شده به قیمت‌های ثابت^(۱)

(میلیارد ریال)

سال	اعتبارات عمرانی کل کشور	اعتبارات عمرانی بخش کشاورزی (۲)		درصد تغییرات اعتبارات نسبت به سال قبل
		مقدار	سهم از کل	
		کل اعتبارات	اعتبارات بخش کشاورزی	
۱۳۷۰	۱۹۷۱/۱	۴۸۶/۳	۲۴/۷	-
۱۳۷۱	۱۸۶۵/۱	۳۷۰/۱۶	۱۹/۹	-۵/۴
۱۳۷۲	۲۸۷۳/۳	۵۴۹/۸	۱۹/۱	۴۸/۴
۱۳۷۳	۲۷۵۸/۸	۴۶۴/۵	۱۶/۸	-۱۵/۵
۱۳۷۴	۲۷۵۸/۰	۴۵۸/۶	۱۶/۶	-۱/۳
۱۳۷۵	۳۱۶۱/۹	۴۶۴/۲	۱۴/۷	۱/۲
۱۳۷۶	۲۸۵۷/۱	۳۷۹/۵	۱۳/۳	-۱۸/۳
۱۳۷۷	۲۱۵۰/۴	۲۷۸/۵	۱۲/۹	-۲۶/۶
۱۳۷۸	۲۵۸۳/۸	۳۶۶/۴	۱۴/۲	۳۱/۶
۱۳۷۹	۲۰۹۶/۴	۴۸۶/۱	۲۳/۲	-۱۸/۹

- ۱- اعتبارات عمرانی پرداخت شده به قیمت‌های جاری از گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های مختلف بانک مرکزی جمع‌آوری و با شاخص ضمنی تشکیل سرمایه ثابت دولتی تعدیل شده است.
- ۲- شامل اعتبارات پرداختی به امور کشاورزی و منابع طبیعی و منابع آب می‌باشد.

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی به چند طریق عمده صورت می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به سرمایه‌گذاری با استفاده از منابع سیستم بانکی، وام‌های تشکلی‌های روستایی و سرمایه‌گذاری از محل سایر منابع اشاره نمود. بانک کشاورزی با بیشترین امکانات مالی و اداری به عنوان بانک تخصصی در بخش کشاورزی، نقش مهمی در تامین مالی

متقاضیان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی داشته و کارگزار اصلی دولت در اجراء و پیشبرد سیاست‌های اعتباری کشاورزی می‌باشد. طبق آمار موجود در طول سال‌های ۸۰-۱۳۷۰ حدود ۱۰۰۱۹۱ میلیارد ریال اعتبار به بخش کشاورزی اعطاء شد که حدود ۶۰/۴ درصد (۶۰۵۱۶ میلیارد ریال) آن را تنها بانک کشاورزی تامین کرده است. در این مورد باید توجه داشت که ساختار بانک کشاورزی به نحوی است که کمتر به سپرده‌های مردم متکی است و اتکاء عمده این بانک به منابع تبصره‌های بودجه واستقراض از سایر بانکها می‌باشد. اعتبارات تبصره‌ای در واقع بخشی از اعتبارات عمرانی دولت است که بنا بر ملاحظاتی از طریق بانک کشاورزی در اختیار سازمان‌های ذیربط نظیر وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو قرار می‌گیرد. طبق آمار جدول شماره ۴_ بخشی از این اعتبارات نیز صرف امور جاری می‌شود که سرمایه‌گذاری محسوب نمی‌گردد. از طرف دیگر بخش مهمی از اعتبارات بانک کشاورزی که از محل منابع داخلی بانک به متقاضیان بخش، اعطاء می‌شود ماهیت جاری داشته و صرف امور سرمایه‌گذاری نمی‌گردد. برای مثال در سال ۱۳۷۹، از کل تسهیلات غیر تکلیفی پرداختی بانک کشاورزی ۲۰/۲ درصد صرف سرمایه‌گذاری جدید و مابقی سرمایه در گردش بوده است. در سال ۱۳۸۰ علی‌رغم ۶۶/۲ درصد رشد در حجم اعتبارات غیر تکلیفی، سهم تسهیلات بابت سرمایه‌گذاری‌های جدید از این منبع ۲۲/۴ درصد بود که نسبت به سال قبل تغییر چندانی نشان نمی‌دهد. با توجه به نرخ سود تسهیلات بخش کشاورزی که پایین‌ترین مقدار در مقایسه با سایر بخش‌ها می‌باشد، می‌توان حدس زد که بخش عمده اعتبارات پرداختی سایر بانکها به بخش کشاورزی در قالب تبصره‌های بودجه و الزامات قانونی بوده و لاجرم از ترکیبی مشابه با اعتبارات بانک کشاورزی برخوردار باشد.

جدول شماره (۴)

ترکیب تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی

(میلیارد ریال)

سال	تسهیلات تکلیفی		تسهیلات غیر تکلیفی		جمع تسهیلات	
	جاری	سرمایه‌گذاری	جاری	سرمایه‌گذاری	جاری	سرمایه‌گذاری
۱۳۷۹	۲۵۵۳	۱۰۷۲	۵۶۱۶	۱۴۲۳	۸۱۶۹	۲۴۹۵
۱۳۸۰	۳۱۶۹	۱۶۲۶	۹۰۷۶	۲۶۱۷	۱۴۲۴۵	۴۲۴۳

مساخذ: گزارش سالانه بانک کشاورزی، اداره کل امور رایانه‌ای و اطلاعات مدیریت، معاونت آمار بانک کشاورزی.

علیرغم اینکه ۹۵ درصد فعالیت‌های بخش کشاورزی ایران توسط بخش خصوصی انجام می‌گیرد، به دلایل متعددی که ذکر گردید (از جمله بکارگیری منابع طبیعی تولید در مقیاس غیراقتصادی، تفکر خودمعیشتی حاکم بر برنامه کاشت و برداشت، تجاری نبودن ماهیت فعالیت بهره‌برداران، مشکلات نیروی انسانی و...) سطح درآمد قریب به اتفاق فعالان بخش پایین می‌باشد. لذا زمینه‌های نهادی برای پس‌انداز و تراکم سرمایه برای انجام سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز بخش و حتی تهیه نهاده‌های تولید وجود ندارد. بنابراین مراجعه به تامین کنندگان رسمی و غیررسمی سرمایه تنها راه دستیابی به منابع مالی مورد نظر است. شایان ذکر است که تامین سرمایه از طریق وام‌دهندگان خصوصی معمولاً با قبول شرایط سنگینی همراه است و بهره و سود متعلقه به این گونه وام‌ها بسیار بالا است. در نتیجه بخش بزرگی از ارزش افزوده به دست آمده صرف پرداخت هزینه این وام‌ها می‌شود که خود یکی از دلایل عدم توانایی کشاورزان در انجام پس‌انداز شخصی می‌باشد. لیکن باید

توجه داشت که این شیوه برخلاف سیستم بانکی، در مواقع ضروری از کارایی بالایی برخوردار است و به سرعت و بدون تشریفات اداری مبالغ مورد نیاز را برای درخواست کننده تامین می نماید. این گونه وام ها به دلیل بهره سنگین و شرایطی که دارد عموماً از سوی کشاورزان برای تامین سرمایه در گردش فرآیند تولید و تهیه نهاده های مورد نیاز برای یک دوره تولید، دریافت می گردد. با توجه به اینکه بازده سرمایه گذاری های بخش کشاورزی طولانی می باشد، لذا برای بهره برداران استفاده از منابع مالی غیررسمی برای سرمایه گذاری مقرون به صرفه نبوده و این گونه تسهیلات نیز ماهیت سرمایه گذاری ندارند.

۲- تجارت جهانی و سازمان تجارت جهانی (WTO)

تجاری کردن بخش کشاورزی ایران علاوه بر اینکه نیازمند رفع موانع داخلی در زمینه های مختلف است که مستلزم شناخت جهان اطراف، فعل و انفعالات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در سطح جهان و دیپلماسی بین المللی نیز می باشد. در شرایط فعلی که الحاق به WTO در دستور کار مسئولین کشور قرار دارد و مقدمات کار فراهم آمده لازم است برنامه ریزی جهت گسترش صدور محصولات کشاورزی با توجه به امکانات و محدودیت های موجود در چارچوب فعالیت های WTO انجام پذیرد. بدین منظور در نظر گرفتن نتایج حاصل از مذاکرات دوراروگوئه بسیار دارای اهمیت است، زیرا مذاکرات دوراروگوئه (UR) قدم مهمی در ارتباطات تجاری بین المللی بود. به طوری که سازمان تجارت جهانی (WTO) و حقوق مالکیت معنوی از دستاوردهای ماندگار آن می باشد. علاوه بر آن در دوراروگوئه قوانین جدیدی برای تجارت کشاورزی و قانونمند نمودن موانع غیرتعرفه ای از طریق موافقت نامه بهداشتی و بهداشت نباتی (SPS) و بازنگری در موافقت نامه موانع فنی فراراه تجارت (TBT) تهیه گردید. در این دور از مذاکرات، تلاش فراوان صرف طراحی قوانین جدید برای تجارت در بخش کشاورزی شد، به طوری که چارچوبی برای تجارت کالاهای بخش کشاورزی فراهم گردید که با آنچه

قبل از آن وجود داشت بسیار متفاوت بود. نگرانی کشورهای در حال توسعه درباره تاثیر منفی اصلاحات تجاری مطروحه بر تامین امنیت غذایی موجب شد تا اجلاس وزیران سازمان تجارت جهانی تصمیم خاصی برای این دسته از کشورها اتخاذ نموده و در متن موافقت نامه دوراروگوئه اضافه نماید. در واقع چارچوب نوین در طول زمان به منظور تطابق با بازارهای داخلی کشورها و شرایط بین المللی مورد بازبینی قرار گرفت. به طوری که قواعد جدیدی در جهت شناسایی و طبقه بندی ابزارهای سیاست داخلی با توجه به درجه انحراف تجاری مربوطه به دست آمد که کشورهای متقاضی عضویت در WTO و از جمله ایران می باید در طراحی سیاست های تجاری بخش کشاورزی خود آنها را مورد توجه قرار دهند. از جمله می توان به امکان استفاده از نرخ تعرفه سهمیه ای، حقوق گمرکی متغیر، مقررات حفاظتی ویژه و مجموعه حمایت های مجاز به شرح زیر اشاره کرد:

۲-۱- حمایت های داخلی

موافقت نامه دور اروگوئه در زمینه حمایت داخلی قوانین جدیدی وضع نمود که وجه تمایز بخش کشاورزی از صنعت می باشد. طبق مقررات جدید محدودیت هایی ایجاد شده که بیشترین آن از طریق محدودیت بر معیار کلی حمایت بوده است. موافقت نامه مذکور همچنین بعضی از حمایت ها را از کاهش استثناء نموده که جمع موارد به شرح زیر می باشد:

۲-۱-۱- حمایت های مشمول کاهش

در دور اروگوئه قرار شد که اعضا گزارش می از کل سطوح حمایت داخلی را به کمیته کشاورزی سازمان مزبور ارائه نموده و بطور مستمر کمیته را از روند کاهش سطح حمایت ها، آگاه نمایند. در ابتدا مشخص شد که حمایت داخلی بالا به وسیله چند کشور محدود انجام می شود، به طوری که اتحادیه اروپا، آمریکا و ژاپن حدود ۹۰ درصد حمایت داخلی کشورهای

OECD را به خود اختصاص داده بودند. پس از اجرای موافقت‌نامه دور اروگوئه در ۹۸-۱۹۹۵ بطور متوسط سطح حمایت داخلی این کشورها در اتحادیه اروپا به ۶۶ درصد، ژاپن ۵۹ درصد و آمریکا به ۲۷ درصد کاهش یافت. یکی از راه‌هایی که موجب شد کشورها سطح حمایت خود (AMS)^۱ را کاهش دهند، حرکت از حمایت‌های داخلی غیرمعاف به حمایت‌های معاف می‌باشد. در نتیجه اکنون بیش از ۶۰ درصد از حمایت‌های داخلی در کشورهای OECD تعهدات کاهشی مستثنی می‌باشد.

۲-۱-۲- جعبه آبی

جعبه آبی شامل مجموعه سیاست‌های حمایتی است که تا سال ۲۰۰۴ از کاهش معاف و پس از آن مشمول کاهش می‌شوند. به‌طور مثال اتحادیه اروپا به دلیل تولید انبوه از کشاورزان درخواست می‌نماید که بخشی از زمین‌ها را به زیر کشت نبرند و در مقابل درآمدهای از دست رفته آنها را بطور نقد پرداخت و جبران می‌نماید که بعد از سال ۲۰۰۴ می‌باید حجم مابه‌التفاوت پرداختی را کاهش دهد. آمریکا در سال ۱۹۹۵ جعبه آبی را برای مابه‌التفاوت پرداختی بابت تفاوت قیمت‌های داخلی و بین‌المللی به کار برد. در ژاپن نیز حمایت مشمول کاهش تولید برنج در سال ۱۹۹۸ در جعبه آبی قرار گرفت. در سال ۱۹۹۵ حمایت داخلی جعبه آبی ۳۵ میلیارد دلار گزارش شد که ۷۷ درصد آن متعلق به اتحادیه اروپا بود. در سال بعد با حذف مابه‌التفاوت پرداختی آمریکا این رقم به ۲۷ میلیارد دلار کاهش یافت که در مقابل سهم اتحادیه اروپا به ۹۶ درصد رسید.

1- Aggregate Measurement of Support.

رابطه اصلی برای محاسبه AMS به قرار زیر است که در آن Ps قیمت‌های داخلی، Pw قیمت‌های بین‌المللی، Qs مقدار تولیدات داخلی و Vs ارزش حمایت‌های دیگر مانند یارانه می‌باشد.

$$AMS = (P_s - P_w)Q_s + V_s$$

۳-۱-۲- جعبه سبز

براساس موافقت‌نامه دور اروگوئه، مجموعه حمایت‌هایی که همواره از کاهش معاف می‌باشند درون جعبه سبز قرار می‌گیرند. این سیاست‌ها شامل آموزش و تحقیق، بازاریابی (حمل و نقل، انبارداری و...)، مبارزه با آفات و... است. در سال ۱۹۹۶ حدود ۱۲۷ میلیارد دلار حمایت جعبه سبز به WTO گزارش شد که ۳۲ درصد آن به کمک‌های غذایی و ۲۸ درصد به زیرساخت‌ها و خدمات عمومی تعلق داشت. معیارهای جدید حمایت نظیر کمک‌های سرمایه‌گذاری، برنامه‌های محیط زیست و پرداخت‌های مستقیم حدود ۸-۶ درصد کل جعبه سبز را به خود اختصاص داده بودند.

۳- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مطالب مورد اشاره می‌باید خاطر نشان نمود که کشاورزی ایران در مسیر توسعه خود در آینده با موانع بزرگی مواجه است. مشکلات بخش کشاورزی به گونه‌ای است که حتی کلیدی‌ترین مباحث نظیر نیروی انسانی، آب، خاک و... که می‌بایستی در جهت بهبود عمل نمایند خود به‌عنوان مانع ظاهر می‌شوند. در چنین شرایطی انتظار تجاری کردن فعالیت‌های کشاورزی غیرواقع بینانه و دور از دسترس به نظر می‌رسد زیرا توسعه صادرات محصولات کشاورزی و ورود به بازارهای بین‌المللی درگرو گسترش تولیدات، افزایش کیفیت کالاها و... می‌باشد که بدون تغییر ساختار فعلی امکان‌پذیر نیست. حفظ و توسعه منابع طبیعی، بهبود جریان سرمایه‌گذاری و جذب نیروی انسانی کارآمد، فضا و چارچوب‌هایی متفاوت از وضعیت فعلی را طلب می‌نماید. از طرف دیگر به تعویق انداختن فرآیند ادغام در بازارهای جهانی به زمانی پس از انجام تحولات بنیادی موجب از دست رفتن فرصت‌های فعلی و بروز هزینه‌های سنگین‌تر می‌شود. بدین دلیل می‌باید اتخاذ برنامه‌های اصلاحات ساختاری و سیاست‌گذاری‌های موردنیاز جهت تجاری نمودن عملکرد بخش در یک بسته سیاستی

هماهنگ و منسجم و همزمان به گونه‌ای صورت‌پذیرد که پشتیبانی برنامه‌های مختلف دستیابی به اهداف مورد نظر را تسریع نماید.

از مجموع مطالب یادشده چنین برمی‌آید که بخش کشاورزی ایران در مقایسه با کشورهای مقتدر در بازارهای بین‌المللی، به لحاظ وجود تنگناهای متعدد در چنان وضعیتی به سر می‌برد که دستیابی به سهم بالاتر در تجارت جهانی، حداقل در آینده نزدیک، دور از دسترس به نظر می‌رسد. در واقع تجاری نمودن فعالیت‌های کشاورزی ایران مستلزم اجرای برنامه‌های اصلاحات ساختاری در زمینه‌های گوناگون و حتی در بخش‌های غیرکشاورزی است که از ابعاد مختلف قابل بررسی می‌باشد.

۱- در وهله اول می‌باید توجه نمود که بخش کشاورزی منفک و مجزا از سایر بخش‌ها و کل اقتصاد کشور نبوده و بطور منفرد نمی‌توان برای آن برنامه‌ریزی نمود. در واقع شروع حرکت به سمت تجاری نمودن بخش کشاورزی مستلزم حاکم نمودن تفکر تولید برای تجارت در مجموعه فعالیت‌های اقتصادی است. لذا انجام این امر مهم در چارچوب اجرای بسته سیاستی هماهنگ در ارتباط با تمامی بخش‌های مرتبط با کشاورزی اعم از صنعت، حمل و نقل، خدمات و... امکان‌پذیر می‌باشد. در حال حاضر با معرفی استراتژی جهش صادراتی به‌عنوان راهکار توسعه اقتصادی، بهترین فرصت برای هم‌اندیشی، برنامه‌ریزی و عملیاتی کردن سیاست‌های تجاری سازگار با اهداف برنامه سوم فراهم آمده که می‌باید مغتنم شمرده شود.

۲- در خصوص بند یادشده، یکی از ضروری‌ترین اقداماتی که در شروع برنامه‌ریزی جهت تجاری نمودن فعالیت‌های بخش کشاورزی لازم است انجام شود، تعریف رژیم تجاری و یا مشخص نمودن استراتژی توسعه کشاورزی است. بدیهی است که به منظور هماهنگ نمودن بخش کشاورزی با اهداف کلان اقتصاد کشور، استراتژی جهش صادراتی مدنظر

خواهد بود که در این صورت ممکن است تولید بسیاری از محصولات توجیه پذیر نباشد. بنابراین برنامه تولید و الگوی کشت بطور یقین نیاز به تغییر و تحول خواهد داشت. پذیرش این واقعیت و کاربردی نمودن آن مستلزم بسترسازی مناسب فرهنگی و اقتصادی و ایجاد دگرگونی در نگرش تولیدکننده، مصرف کننده و مسئولین می باشد.

۳- اعمال موفقیت آمیز استراتژی جهش صادراتی چه در بعد کلان قضیه و چه در بخش های مختلف، فقط در چارچوب اقتصاد باز و متکی بر سازوکار بازار امکان پذیر است. در ایران اگرچه بیش از ۹۰ درصد از بهره برداری های کشاورزی در مالکیت بخش خصوصی است، لیکن حضور همه جانبه دولت به طرق مختلف (خرید تضمینی، اعطاء یارانه، تسهیلات ترجیحی و...) در امور کشاورزی، فعالیت های بخش را بیش از حد لازم متکی به حمایت های دولت نموده است. در این شرایط، انجام برنامه های آزادسازی و تکیه بر نظام بازار جهت راهیابی به بازارهای جهانی در کوتاه مدت ممکن است اثرات منفی بر عملکرد بخش داشته و تولیدکنندگان بویژه بهره برداران خرد و دهقانی را در معرض آسیب بیشتری قرار دهد، لذا لازم است از قبل تمهیدات ویژه ای جهت افزایش توان بخش در جذب تکانه های ناشی از تحولات اندیشیده و راه های مقابله با آن جستجو شود. به این منظور ضروری است ابتدا تنگناهای موجود در مباحث کلیدی بخش، مرتفع گردد تا سود و ارزش افزوده حاصل از فعالیت های کشاورزی منطقی و متناسب با هزینه های برآمده از تغییر نظام سنتی به بازار افزایش یابد. در این خصوص جهت افزایش ظرفیت و توان بخش در پذیرش و انطباق با نظام بازار و تولید تجاری می باید بخش کشاورزی در ابتدا مرحله گذار را طی نماید که شامل اصلاحات ساختاری به شرح زیر می باشد:

الف- همانگونه که ذکر گردید کوچک بودن مقیاس زمین‌های کشاورزی و پراکنده بودن مزارع از معضلات عمده موجود می‌باشد که مانع شکل‌گیری کشاورزی نوین گردیده است. به منظور رفع مشکلات مذکور و خروج از بن‌بست فعلی در وهله اول لازم است مسایل حقوقی ناظر بر فعالیت‌های بخش بویژه سیاست‌های حقوقی، اجتماعی مالکیت براساس واقعیات موجود و تغییر و تحولاتی که در عرصه روابط اجتماعی فراهم آمده، مورد بازنگری قرار گیرد. تبیین جدید مالکیت می‌باید در دو زمینه انجام شود.

* در مورد زمین‌های قابل بهره‌برداری کشاورزی که در حال حاضر بنا بر دلایل مختلف بلااستفاده می‌باشد که لازم است جزییات مربوط به خرید و فروش و نحوه اجاره آن به دقت توضیح داده شود. در کنار آن با توجه به خیل عظیم فارغ التحصیلان رشته‌های مختلف کشاورزی که امکان تصدی مشاغل اداری و دولتی را نیافته‌اند، می‌باید تسهیلات و تشویق‌های مقتضی (از بعد مالی و اجرایی) اعمال گردد تا این افراد برای راه‌اندازی واحدهای جدید بهره‌برداری کشاورزی مطابق با استانداردهای بین‌المللی اقدام نمایند. در این صورت می‌توان امیدوار بود که این واحدها با تفکر تجاری بویژه در زمینه بازارهای خارجی عمل نموده و الگوی بخش سنتی برای برنامه‌ریزی در زمینه تولید و تجارت قرار گیرند.

** در مورد زمین‌های کشاورزی که در حال حاضر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، اندازه زمین‌ها و پراکنده بودن آنها از مشکلات کلیدی بخش به شمار می‌آید، قانونمند کردن خرید و فروش اراضی و تعریف مجدد مالکیت براساس نیازهای موجود، می‌تواند مقدمات یکپارچه‌سازی اراضی را فراهم نموده و زمینه‌ساز حرکت به سوی استقرار نظام بازار باشد.

ب- همانگونه که در متن گزارش (بخش ۲-۱) ذکر گردید، ایران به لحاظ قرار گرفتن بین منطقه حاره‌ای و عرض‌های میانی تا حد زیادی متأثر از تغییرات شرایط جوی منطقه حاره (لانینا و ال‌نینو) می‌باشد. به‌همین دلیل میزان نزولات جوی و در نتیجه مقدار آب استحصالی ثابت نبوده و در طول زمان نوسانات شدیدی از خود نشان می‌دهد. بنابراین آگاهی از قرارداداشتن دره‌ریک از پربوده‌های زمانی مذکور می‌باید تعیین‌کننده الگوی کشت و نحوه ذخیره‌سازی مناسب محصولات کشاورزی بویژه اقلام استراتژیک باشد. این امر مستلزم مدیریت کارآمد و دقیق، برنامه‌ریزی جامع و همه‌جانبه و پیش‌بینی‌های علمی و هوشمندانه است که قدرت تحلیل و ارزیابی و آینده‌نگری و آفری را طلب می‌کند و فعالان بخش نیز به دلیل دانش کم و عدم دسترسی به اطلاعات، با اتکاء بیش از حد به حمایت‌های دولتی، توان انجام آن را ندارند. در جریان تغییر چارچوب فعالیت‌های کشاورزی از وضعیت سنتی به نظام تجاری، می‌باید به تدریج با آموزش و آگاهی دادن به بهره‌برداران، توان فکری و عملی آنان را در رویارویی با مشکلات و یافتن راه‌حل‌های مناسب افزایش داد. در حال حاضر کشاورزان ایران به دلیل فقر اطلاعاتی و عدم برخورداری از امکانات مناسب، قادر نیستند که اوضاع و شرایط را تحت کنترل درآورند و بیشتر به شکل منفعل و تاثیرپذیر عمل می‌نمایند. بنابراین به منظور حفظ امنیت غذایی جامعه و کاهش خسارات ناشی از خشکسالی‌های دوره‌ای (از ابعاد مالی، مشکل مهاجرت، کاهش تولید، افزایش واردات و...) توصیه می‌گردد که مسئولین و نهادهای دولتی مرتبط، برنامه‌ریزی‌های بخش کشاورزی را با توجه بیشتر به دوره‌های مذکور (ال‌نینو و لانینا)، انعطاف‌پذیرتر انجام‌دهند تا دوره‌گذار باشد و تکانه‌های کمتری طی گردد.

درمبحث آب، مقوله استفاده بهینه از منابع آب نیز یکی از مهمترین مسایل مطرح می‌باشد. روش آبیاری غرقابی که هم‌اکنون تقریباً در تمامی نواحی کشاورزی ایران مرسوم است، از نمادهای تولیدسنستی بوده و باتوجه به محدودیت‌های منابع آب موجب پایین بودن راندمان آب گردیده و در سال‌های خشکسالی فعالیت‌های بخش را آسیب‌پذیرتر نموده است. لذا تغییر روش به سیستم آبیاری تحت فشار به‌عنوان یکی از ضروری‌ترین برنامه‌های مورد نیاز جهت تجاری نمودن کشاورزی ایران مطرح می‌باشد. روش آبیاری تحت فشار در اشکال مختلف قطره‌ای، بارانی، تراوا (زیرزمینی) فقط منابع آب تجدید شونده و تا حدودی ورودی به کشور را تحت کنترل درآورده و اصلاحات ساختاری در مبحث آب بدون توجه به برنامه‌های حفاظت و ذخیره‌سازی منابع آب، برنامه جامع و کاملی نمی‌باشد. به این دلیل برخی از شیوه‌هایی که در نقاط مختلف کشور و سایر کشورها به کار گرفته شده مانند ترانس کنوری، آبخیزداری، استفاده از آب سیلابها و... نیز برای تامین آب کشاورزی مطرح می‌باشد.

ج- ویژگی‌های نیروی کار بخش کشاورزی ایران (بخش ۳-۱) در زمان حال که به دوران انفجار اطلاعات شهرت یافته، به گونه‌ای است که نه تنها توانایی استفاده از دانش و فن‌آوری روز را ندارند، بلکه در برابر موج‌گیرزناپذیر تحولات، مقاوم بوده و حتی در برخی موارد به شکل مخرب عمل می‌نمایند. در حالی که عملکرد آگاهانه شاغلین در برخی از کشورها موجبات تحصیل درآمدهای کلان بوده و در تعدادی دیگر از کشورها، زمینه خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک را فراهم کرده است. وجه مشترک کشورهای موفق، سرمایه‌گذاری نیروی انسانی و برنامه‌ریزی آموزشی مناسب برای نیروی کار بخش کشاورزی می‌باشد که به نام

فعالیت‌های "ترویج" شناخته‌می‌شود. در ایران با توجه به اینکه بخش عمده نیروی کار کشاورزی ایران را روستاییان بی‌سواد بالای ۵۰ سال تشکیل می‌دهند، علاوه بر موارد مذکور، آموزش بزرگسالان نیز دارای اهمیت است. بدین منظور می‌باید رابطه فعالیت‌های ترویجی با ساختارهای اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی به دقت بررسی شود. زیرا هدف اصلی در این نوع آموزش، متقاعدسازی افراد به پذیرش افکار و شیوه‌های جدید کار و تولید است که ناگزیر، محیط زندگی و روابط اجتماعی و خانوادگی آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. فقط با برقراری ارتباط مناسب بین برنامه‌های ترویجی و خصلت‌های بومی روستاییان است که می‌توان خلاقیت و تفکر سودجویانه را در آنان بوجود آورد و تقویت کرد. بدین ترتیب کشاورزان با شتاب با اصول و قواعد بازی دنیای تجارت در مرزهای محلی و جهانی آشنا و مسلط شده و می‌توانند راه‌های دستیابی بی‌واسطه به بازار، تامین به موقع نهاده‌ها و ترکیب بهینه الگوی کشت را بیابند. در کشورهای مختلف، قشرهای متفاوتی از جامعه وظیفه ترویج و آموزش بزرگسالان را در روستاها برعهده دارند. برای مثال در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب، سپاه ترویج و آبادانی به این امر اشتغال داشت. در برخی از کشورها، رشته دانشگاهی خاصی وجود دارد که مروجان را تربیت و به روستاها اعزام می‌نماید. در شرایط فعلی که کشور با مازاد مضمولین نظام وظیفه در سطوح مختلف تحصیلی روبرو است، به نظر می‌رسد که استفاده از دانش‌آموختگان مرتبط با رشته‌های کشاورزی در امر ترویج، اهداف بکارگیری بهینه نیروی انسانی مشمول و ارتقاء آموزش روستاییان تامین می‌گردد.

۵- در تکمیل برنامه اصلاحات ساختاری بخش کشاورزی، جنبه مالی قضیه نیز می‌باید هم‌جهت با تغییر و تحولات در سایر امور، دگرگون شود. تامین مالی فعالیت‌های بخش بطوری که تکافوی نیازهای آن را بنماید در مرحله اول مستلزم حذف زمین‌های رانت‌خواری و عدم امکان حصول سودهای بادآورده از طریق سفته‌بازی و یا بطور کلی اصلاح ساختار مالی کشور می‌باشد. به این ترتیب امکان اینکه منابع مالی بیشتری جذب فعالیت‌های کشاورزی شود، افزایش خواهد یافت. در قدم بعدی می‌باید نقش دولت در سرمایه‌گذاری و تامین مالی کشاورزی تغییر نماید. در حال حاضر به دلیل اینکه جوامع روستایی به عنوان جامعه خیلی فقیر برای پس‌انداز کردن شناخته می‌شوند، تلاش‌های دولت بطور انحصاری بر تدارک اعتبار از طریق نرخ ترجیحی (نرخ سود کمتر) متمرکز شده است. در حالی که تجربه گذشته نشان می‌دهد که این تفکر نه تنها نیازمندی‌های بخش را مرتفع نکرده که در برخی مواقع به لحاظ هدفگذاری اشتباه، موجب ناکارآمدی تولید نیز شده است. بنابراین توصیه می‌گردد که در دوران گذار، دولت به همان نسبتی که از میزان مداخله مستقیم در بازار مالی روستا می‌کاهد، برای برقراری و اصلاح بازار مالی روستایی تلاش نماید.

۴- همراه با اجرای برنامه‌های یکپارچه‌سازی اراضی و کاربرد گسترده از زمین‌های مناسب کشاورزی، افزایش مکانیزاسیون به عنوان یکی دیگر از ملزومات گذار به تولید تجاری مطرح می‌باشد. بطور کلی مکانیزاسیون کشاورزی مجموعه‌ای از علوم و فنون کاربردی است که دربرگیرنده فن‌آوری طراحی و تولید انبوه، تغییر در ساختار فنی، بهسازی، تعمیر، سرویس، انتخاب، کاربرد و تعویض انواع ماشین‌ها و ابزارآلات می‌باشد.

۵- تقویت دیپلماسی بین‌المللی، بطور ضمنی در مجموعه سیاست‌های کلان دولت قرار دارد که در بند ۱ ذکر گردیده است. لیکن به لحاظ تاثیر شدیدی که در برقراری روابط تجاری دارد، یک بار دیگر به‌عنوان ابزاری جهت افزایش توان رقابتی تولیدکنندگان داخلی و حذف موانع غیراقتصادی که جنبه سیاسی دارند، مورد تاکید می‌باشد.

۶- در جریان تجاری نمودن فعالیت‌های بخش کشاورزی، می‌باید نهادهای خصوصی به تدریج جایگزین انحصارات دولتی گردد. بنابراین چنانچه تشکلهای متناسب برای پذیرش مسئولیت و اختیارات ارگان‌های فعلی وجود دارند، لازم است فعال شده و درغیراین صورت ضروری است که بخش خصوصی به ایجاد نهادهای مربوطه هدایت و تشویق شود. هراندازه تفویض قدرت مدیران دولتی به کارگزاران خصوصی سریع‌تر و با اطمینان بیشتر صورت پذیرد، دوره گذار کوتاه‌تر خواهد بود. در این زمینه، اصلاح قوانین و مقررات فعلی و معرفی سازوکار مناسب برای حضور گسترده‌تر بخش خصوصی و بطور کلی مقررات‌زدایی که در زمره سیاست‌های کلان کشور است، به‌عنوان مکمل برنامه خصوصی‌سازی کشاورزی مطرح می‌باشد.

۷- در مسیر حرکت به سمت استقرار نظام بازار که از ملزومات تولید تجاری کشاورزی است. حد و اندازه‌های وزارت جهاد کشاورزی و زیر مجموعه‌های آن می‌باید متناسب با گسترش بخش خصوصی کاهش یابد. بنابراین لازم است اهداف و وظایف ارگان‌های مربوطه مورد بازنگری قرار گیرد و بدنه اجرایی هماهنگ با آن طراحی و اجرا گردد.

۸- ایجاد بورس کالاهای کشاورزی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بویژه در مورد محصولات که برای بازاریابی با مشکل مواجه هستند می‌تواند زمینه‌ساز خوبی برای حضور در بازارهای داخلی و جهانی و حذف واسطه‌های غیرضروری باشد. البته مکان‌یابی استقرار بورس و انتخاب محصولات می‌باید در نتیجه مطالعات دقیق و برآمده از کار کارشناسی و توان هر منطقه صورت پذیرد.

۹- ضرورت پیوستن به سازمان تجارت جهانی ایجاب می‌کند که کلیه سیاست‌های دولت در بخش کشاورزی (یارانه‌ها، قیمت خرید تضمینی، کمک‌های بلاعوض و...) علاوه بر در نظر گرفتن اهداف تجاری، با عنایت به محدودیت‌ها و معافیت‌های معرفی شده در نتایج دور اروگوئه بوده و سمت و سوی حمایت‌ها در جهت انطباق با قوانین WTO قرار گیرد.

۱۰- با رفع موانع و تنگناهای موجود در بخش کشاورزی و افزایش تولید، مهمترین موضوع یافتن بازارهای مصرف در ماورای مرزهای محلی است که این امر، اهمیت مقوله بازاریابی را خاطر نشان می‌سازد. تقویت فعالیت‌های بازرگانی مرهون عملکرد مدیران بازاریابی است که بطور مستمر بازارهای بالفعل و بالقوه جهانی را بررسی کرده و تولیدکنندگان و صادر کنندگان را از سلیقه و الگوی مصرف متقاضیان بین‌المللی آگاه می‌نمایند. خلاقیت و توان فکری و عملی برخی از مدیران بازاریابی چنان قوی است که حتی در کشورهای دیگر برای مصرف کالای تولیدی کشور خود، فرهنگ سازی نموده و الگوی مصرف جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

۱۱- در تکمیل زنجیره تولید و صدور، تقویت صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی نیز به عنوان یکی از عوامل موثر در توسعه تجارت بخش کشاورزی، کاهش ضایعات و افزایش درآمد کشاورزان مطرح می‌باشد.

۱۲- چنانچه برنامه جامع تجاری کردن بخش کشاورزی اجراء و محصولات کشاورزی در بازارهای جهانی حضور بیشتری یابند، انتظار می‌رود که سطح عمومی قیمت‌های داخلی این قبیل کالاها روند رو به رشد داشته باشد. با توجه به ضریب اهمیت بالایی که قیمت کالاهای کشاورزی در سطح عمومی قیمت‌ها دارند، مجموعه سیاست‌های پولی، ارزی و مالی کشور می‌باید به گونه‌ای طراحی شود که تا حد امکان از شدت افزایش قیمت‌ها بکاهد.

۱۳- در گذار از تولید خودمصرفی به تولید برای تجارت، کیفیت و نحوه اعطاء یارانه‌ها نیز می‌باید به صورت سازگار و هماهنگ با اهداف کلی برنامه تغییر یابد. در این خصوص شناسایی اقشار آسیب‌پذیر بخش که مطابق بند (۳) راهکارهای اجرایی برنامه سوم برعهده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قرار دارد و هدایت یارانه‌های دولت به حمایت بیشتر از این قشر و تغییر جهت اعطاء یارانه بخش کشاورزی از مصرف‌کننده به تولیدکننده می‌تواند تاجد زیادی در کاهش اثرات منفی ناشی از خصوصی‌سازی و آزادسازی موثر واقع شود.

منابع و مأخذ:

- ۱- آمارنامه وزارت جهاد کشاورزی، سال‌های مختلف.
- ۲- آینده نظام‌های مالی و کشاورزی در کشورهای غیراروپایی، ترجمه گیتی‌خواجه‌زاده، ۱۳۸۰.
- ۳- بررسی عوامل موثر بر عرضه محصولات کشاورزی و شاخص قیمت‌های داخلی آن، دفتر پژوهش و بررسی‌های اقتصادی سازمان بازرسی و نظارت، سال ۱۳۷۹.
- ۴- تبیین اثرات اجرای مقررات دسترسی به بازار موافقت‌نامه کشاورزی بر اقتصاد کشاورزی ایران، اکبر کمیجانی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی - شماره ۲۱.
- ۵- تاثیر سیاست‌های ارزی و تجاری بر بخش کشاورزی، پایان نامه دکتر- حسین مهرابی بشرآبادی سال ۱۳۸۰.
- ۶- تامین مالی روستایی، موضوعات، طراحی و تجارب برتر، ترجمه رضا حسینی، نشر علوم کشاورزی کاربرد، سال ۱۳۸۱.
- ۷- روند توسعه سیستم‌های آبیاری تحت فشار در کشور، وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۰.
- ۸- سرمایه‌گذاری و اعتبارات در بخش کشاورزی ایران، ژیلایران نژاد، ۱۳۷۵.
- ۹- فصلنامه پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره‌های مختلف.
- ۱۰- فصلنامه بانک کشاورزی، شماره‌های مختلف.

- ۱۱- کشاورزی ایران و گات، وزارت جهاد کشاورزی، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی سال ۱۳۸۱.
- ۱۲- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف.
- ۱۳- گزارش دبیرخانه دائمی بررسی عملکرد دستگاه‌های دولتی مجلس شورای اسلامی در مورد وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۰.
- ۱۴- گزارش‌ها و مقالات تهیه شده توسط معاونت‌های مختلف وزارت جهاد کشاورزی.
- ۱۵- ماهنامه جهاد، شماره‌های مختلف.
- ۱۶- ماهنامه کشاورزی و صنعت شماره‌های مختلف.
- ۱۷- مقالات برگزیده سمینار کشاورزی ایران و بازارهای جهانی - شهریور ۱۳۷۵.
- ۱۸- موانع ساختاری توسعه بخش کشاورزی، محمد کاظم محقق کجیدی، ۱۳۷۵.
- ۱۹- نشریه گلچین، شماره‌های مختلف.
- ۲۰- هفته‌نامه‌های خبری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.